

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اصلاحات

قانون آیین دادرسی کیفری نموداری

مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴

انتشارات چتر دانش

۱۳۹۴

تهران خیابان انقلاب - روبروی درب اصلی دانشگاه تهران - خیابان فخر رازی - بعد از تقاطع

روانمهر - نبش کوچه انوری - پلاک ۲۷ - تلفن دفتر آموزش: ۶۶۴۱۴۸۴۸

پست الکترونیک: nashr.chatr@gmail.com



قانون اصلاح قانون آیین دادرسی کیفری

□ ماده ۷- در تمام مراحل دادرسی کیفری،

- رعایت حقوق شهروندی مقرر در «قانون احترام
 به آزادی‌های مشروع
 - و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳/۲/۱۵»

از سوی **الزامی است. متخلفان علاوه**

- تمام مقامات قضایی،
 - ضابطان دادگستری و
 - سایر اشخاصی که در فرآیند
 دادرسی مداخله دارند،

بر جبران خسارات وارده، به مجازات مقرر در ماده (۵۷۰) قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) مصوب ۱۳۷۵/۳/۲ محکوم می‌شوند، مگر آن که در سایر قوانین مجازات شدیدتری مقرر شده باشد.

□□ ماده ۱۳- تعقیب امری کیفری که طبق قانون شروع شده است و

هم چنین اجرای مجازات موقوف نمی‌شود، مگر در موارد زیر:

- الف- فوت متهم یا محکوم علیه
- ب- گذشت شاکی یا مدعی خصوصی در جرایم قابل گذشت
- پ- شمول عفو
- ت- نسخ مجازات قانونی
- ث- شمول مرور زمان در موارد پیش بینی شده در قانون
- ج- توبه متهم در موارد پیش بینی شده در قانون
- چ- اعتبار امر مختوم

تبصره ۱- درباره دیه، مطابق **قانون مجازات اسلامی** عمل می گردد.
تبصره ۲- هر گاه مرتکب جرم پیش از صدور حکم قطعی مبتلا به **جنون شود**، تا زمان **افاقه**، تعقیب و دادرسی متوقف می شود. مگر آنکه در جرائم حق الناسی شرایط اثبات جرم به نحوی باشد که فرد مجنون یا فاقد هوشیاری در فرض افاقه نیز نتواند از خود رفع اتهام کند. در این

صورت به $\left. \begin{array}{l} - \text{ ولی} \\ - \text{ یا قیم} \\ - \text{ یا سرپرست قانونی وی} \end{array} \right\}$ ابلاغ می شود که ظرف مهلت **پنج روز**

نسبت به معرفی وکیل اقدام نماید. در صورت عدم معرفی، صرف نظر

از $\left. \begin{array}{l} - \text{ نوع جرم ارتكابی} \\ - \text{ و میزان مجازات آن،} \end{array} \right\}$ وفق مقررات برای وی وکیل تسخیری تعیین

می شود و $\left(\begin{array}{l} - \text{تعقیب و} \\ - \text{دادرسی} \end{array} \right)$ ادامه می‌یابد.

▣ **ماده ۲۹** - ضابطان دادگستری عبارتند از:

(الف) **ضابطان عام** شامل فرماندهان، افسران و درجه داران نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران که آموزش مربوطه را دیده باشند.
 (ب) **ضابطان خاص** شامل مقامات و مأمورانی که به موجب قوانین خاص در حدود وظایف محول شده، ضابط دادگستری محسوب می‌شوند؛ از قبیل رؤسا، معاونان و مأموران زندان نسبت به امور مربوط به زندانیان، مأموران وزارت اطلاعات، سازمان اطلاعات سپاه و مأموران نیروی مقاومت بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی. هم چنین سایر **نیروهای مسلح** در مواردی که به موجب **قانون**، تمام یا برخی از وظایف ضابطان به آنان محول شود، **ضابط محسوب می‌شوند**.

تبصره - کارکنان وظیفه، ضابط دادگستری محسوب نمی‌شوند، اما

(- تحت نظارت ضابطان مربوط در این مورد، انجام وظیفه می‌کنند
 - و مسئولیت اقدامات انجام شده در این رابطه با ضابطان است.

این مسئولیت نافی مسئولیت قانونی کارکنان وظیفه نیست.

▣ **ماده ۴۸** - با شروع تحت نظر قرار گرفتن، متهم می‌تواند تقاضای

حضور وکیل نماید. وکیل باید

– با رعایت و توجه به محرمانه بودن

– تحقیقات و مذاکرات،

با شخص تحت نظر ملاقات نماید و وکیل می تواند در پایان ملاقات با متهم که نباید بیش از یک ساعت باشد ملاحظات کتبی خود را برای درج در پرونده ارائه دهد.

تبصره- در جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی و همچنین جرائم سازمان یافته که مجازات آنها مشمول ماده (۳۰۲) این قانون است، در مرحله تحقیقات مقدماتی طرفین دعوی، وکیل یا وکلای خود را از بین وکلای رسمی دادگستری که مورد تأیید رئیس قوه قضائیه باشد، انتخاب می نمایند. اسامی وکلای مزبور توسط رئیس قوه قضائیه اعلام می گردد.

▣▣▣ ماده ۶۶- سازمان های مردم نهادی که اساسنامه آن ها در زمینه

– اطفال و نوجوانان

– زنان،

– اشخاص بیمار

– و دارای ناتوان جسمی یا ذهنی،

– محیط زیست،

– منابع طبیعی،

– میراث فرهنگی،

– بهداشت عمومی

– و حمایت از حقوق شهروندی است،

حمایت از ⇐

می توانند نسبت به جرایم ارتكابی در زمینه های فوق اعلام جرم کنند و در تمام مراحل دادرسی شرکت کنند.

تبصره ۱- در صورتی که جرم واقع شده $\left(\begin{array}{l} \text{- دارای بزه دیده خاص باشد،} \\ \text{- کسب رضایت وی} \end{array} \right)$

جهت اقدام مطابق این ماده ضروری است. چنانچه بزه دیده

$\left(\begin{array}{l} \text{- طفل،} \\ \text{- مجنون و یا} \\ \text{- در جرایم مالی سفیه باشد،} \end{array} \right)$ رضایت $\left(\begin{array}{l} \text{- ولی،} \\ \text{- قیم یا} \\ \text{- سرپرست قانونی او} \end{array} \right)$ اخذ

می شود. اگر $\left(\begin{array}{l} \text{- ولی،} \\ \text{- قیم یا} \\ \text{- سرپرست قانونی،} \end{array} \right)$ خود مرتکب جرم شده باشد،

سازمان های مذکور با اخذ رضایت $\left(\begin{array}{l} \text{- قیم اتفاقی یا} \\ \text{- تأیید دادستان،} \end{array} \right)$ اقدامات لازم را انجام می دهند.

تبصره ۲- $\left(\begin{array}{l} \text{- ضابطان دادگستری} \\ \text{- و مقامات قضائی} \end{array} \right)$ مکلفند بزه دیدگان جرایم موضوع

این ماده را از کمک سازمان های مردم نهاد مربوطه، آگاه کنند.

تبصره ۳- اسامی سازمان های مردم نهاد که می توانند در اجرای این

ماده اقدام کنند، در سه ماهه ابتدای هر سال توسط وزیر دادگستری با همکاری وزیر کشور تهیه می‌شود و به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد. تبصره ۴- اجرای این ماده با رعایت اصل یکصد و شصت و پنجم (۱۶۵) قانون اساسی است و در جرائم منافی عفت سازمان‌های مردم‌نهاد موضوع این ماده می‌توانند با رعایت ماده (۱۰۲) این قانون و تبصره‌های آن تنها اعلام جرم نموده و دلایل خود را به مراجع قضائی ارائه دهند و حق شرکت در جلسات را ندارند.

▣▣▣ ماده ۸۰- در جرایم تعزیری درجه
 (- هفت
 - و هشت،

چنانچه (- شاکی وجود نداشته
 - یا گذشت کرده باشد،

در صورت فقدان سابقه محکومیت

مؤثر کیفری، مقام قضائی می‌تواند پس از تفهیم اتهام با

(- ملاحظه وضع اجتماعی
 - و سوابق متهم
 - و اوضاع و احوالی که موجب وقوع جرم شده است

و در صورت

ضرورت با اخذ التزام کتبی از متهم برای رعایت مقررات قانونی، فقط

(- یک بار از تعقیب متهم خودداری نماید
 - و قرار بایگانی پرونده را صادر کند.

این قرار ظرف ده روز از

تاریخ ابلاغ، قابل اعتراض است.

تبصره- مرجع تجدیدنظر قرار موضوع این ماده و سایر قرارهای قابل اعتراض مربوط به تحقیقات مقدماتی جرائمی که به طور مستقیم در دادگاه رسیدگی می‌شوند، دادگاه تجدیدنظر است.

▣▣ ماده ۸۵- در مواردی که دیه باید از بیت المال پرداخت شود، پس از اتخاذ تصمیم قانونی راجع به سایر جهات،

- پرونده به دستور دادستان
 - برای صدور حکم مقتضی
 به دادگاه ارسال می‌شود.

تبصره ۱- حکم این ماده در مواردی که پرونده با قرار موقوفی تعقیب یا با هر تصمیم دیگری در دادسرا مختومه می‌شود اما باید نسبت به پرداخت دیه تعیین تکلیف شود نیز جاری است.

تبصره ۲- در مواردی که مسؤولیت پرداخت دیه متوجه عاقله است، در صورت وجود دلیل کافی و با رعایت مقررات مربوط به احضار، به وی اخطار می‌شود برای دفاع از خود حضور یابد. پس از حضور، موضوع برای وی تبیین و اظهارات او اخذ می‌شود. هیچ‌یک از الزامات و محدودیت‌های مربوط به متهم در مورد عاقله قابل اعمال نیست. عدم حضور عاقله مانع از رسیدگی نیست.

▣▣ ماده ۹۲- تحقیقات مقدماتی تمام جرایم بر عهده بازپرس است.

– در غیر جرایم مستوجب مجازات‌های مقرر در
ماده (۳۰۲) این قانون،
دادستان نیز دارای
در صورت کمبود بازپرس،

تمام وظایف و اختیاراتی است که برای **بازپرس** تعیین شده است. در این حالت، چنانچه دادستان انجام تحقیقات مقدماتی را به دادیار ارجاع

دهد،
– قرار نهائی دادیار و همچنین
باید در همان روز صدور
– قرار تأمین منتهی به بازداشت متهم

به نظر **دادستان** برسد و دادستان نیز مکلف است **حداکثر ظرف بیست و چهار ساعت** در این باره اظهار نظر کند.

تبصره– در صورت عدم حضور بازپرس یا معذور بودن وی از انجام وظیفه و عدم دسترسی به بازپرس دیگر در آن دادسرا در جرایم موضوع ماده (۳۰۲) این قانون، دادرس دادگاه

– به تقاضای دادستان
– و تعیین رئیس حوزه قضائی،
وظیفه بازپرس را **فقط** تا زمان باقی

بودن وضعیت مذکور انجام می‌دهد.

▣▣ **ماده ۹۸**– بازپرس باید **شخصاً**
– تحقیقات و
– اقدامات لازم را
به منظور

جمع‌آوری ادله وقوع جرم به عمل آورد، ولی می‌تواند در غیر جرایم موضوع بندهای (الف)، (ب)، (پ) و (ت) ماده (۳۰۲) این قانون،

- که برای کشف جرم لازم بداند، پس
- تفتیش،
 - تحقیق از شهود و مطلعان
 - جمع‌آوری اطلاعات
 - و ادله وقوع جرم
 - و یا هر اقدام قانونی دیگری را

از دادن تعلیمات لازم به ضابطان دادگستری ارجاع دهد که در این صورت، **ضمن نظارت**، چنانچه تکمیل آن‌ها را لازم بداند، تصمیم متقاضی اتخاذ می‌کند.

تبصره- در بندهای (الف)، (ب)، (پ) و (ت) ماده (۳۰۲) این قانون نیز باز پرس می‌تواند با همکاری ضابطان دادگستری تحقیقات لازم را انجام دهد.

۱۰۲- ماده انجام هرگونه تعقیب و تحقیق در جرائم منافی عفت ممنوع است و پرسش از هیچ فردی در این خصوص مجاز نیست، مگر در مواردی که جرم در مرئی و منظر عام واقع شده و یا دارای شاکی یا به عنف یا سازمان‌یافته باشد که در این صورت، تعقیب و تحقیق فقط در محدوده شکایت و یا اوضاع و احوال مشهود توسط مقام قضائی انجام می‌شود.

تبصره ۱- در جرائم منافی عفت هرگاه شاکی وجود نداشته باشد و

متهم بدو قصد اقرار داشته باشد، قاضی وی را توصیه به پوشاندن جرم و عدم اقرار می‌کند.

تبصره ۲- قاضی مکلف است عواقب شهادت فاقد شرایط قانونی را به شاهدان تذکر دهد.

تبصره ۳- در جرایم مذکور در این ماده، اگر بزه دیده **محجور** باشد

(- ولی یا
- سرپرست قانونی)
او حق طرح شکایت دارد. در مورد بزه دیده

بالغی که سن او زیر **هجده سال** است، ولی یا سرپرست قانونی او نیز حق طرح شکایت دارد.

ماده ۱۴۵- در صورتی که متصرف منزل و مکان و یا اشیاء مورد

بازرسی، (- از باز کردن محل ها
- و اشیاء بسته خودداری کند،) **بازپرس می تواند** دستور

بازگشایی آن‌ها را بدهد، اما تا حد امکان باید از اقداماتی که موجب ورود خسارت می‌گردد، خودداری شود.

تبصره- در صورتی که در اجرای این ماده، خسارت مادی وارد

شود و به موجب تصمیم قطعی،

- قرار منع یا
- موقوفی تعقیب و یا
- حکم برائت صادر شود،

هم‌چنین مواردی که امتناع کننده شخص مجرم نباشد حتی اگر موضوع

به

- صدور قرار جلب به دادرسی یا
- محکومیت متهم منجر شود،

دولت مسئول جبران خسارت

است، مگر آن که تقصیر بازپرس یا سایر مأموران محرز شود که در این صورت، دولت جبران خسارت می‌کند و به بازپرس و یا مأموران مقصر مراجعه می‌نماید.

ماده ۱۵۱- بازپرس می‌تواند در موارد ضروری،

- برای کشف جرم و یا
- دستیابی به ادله وقوع جرم،

حساب‌های بانکی اشخاص را با تأیید

رئیس حوزه قضائی کنترل کند.

ماده ۱۵۹- بازپرس هنگام ارجاع موضوع به کارشناس، مهلت معین را برای اعلام نظر وی مشخص می‌کند. در مواردی که اظهارنظر مستلزم زمان بیشتر باشد، کارشناس باید ضمن تهیه و ارسال گزارشی از اقدامات انجام شده، با ذکر دلیل، تقاضای تمدید مهلت کند که در این صورت، بازپرس می‌تواند برای یک بار مهلت را تمدید کند. تمدید

مهلت (- به کارشناس)
ابلاغ می گردد. هر گاه کارشناس ظرف
(- و طرفین)

مدت معین نظر خود را به طور کتبی تقدیم بازپرس ننماید، کارشناس

دیگری تعیین می شود. چنانچه (- قبل از انتخاب)
نظر (- یا اخطار به کارشناس دیگر)

کارشناس به بازپرس واصل شود، به آن ترتیب اثر می دهد. در هر حال
بازپرس تخلف کارشناس را به مرجع صلاحیتدار اعلام می کند.

□ ماده ۱۹۰- متهم می تواند در مرحله تحقیقات مقدماتی،

(- یک نفر وکیل دادگستری)
این حق باید پیش از شروع تحقیق
همراه خود داشته باشد.

توسط بازپرس به متهم ابلاغ و تفهیم شود. چنانچه متهم احضار شود

(وکیل متهم می تواند با کسب)
وکیل متهم می تواند با کسب اطلاع

(- کشف حقیقت)
از اتهام و دلایل آن، مطالبی را که برای (- و دفاع از متهم) لازم بدانند،
(- یا اجرای قانون)

اظهار کند. اظهارات وکیل در صورت مجلس نوشته می شود.

تبصره ۱- (- سلب حق همراه داشتن وکیل
- و عدم تفهیم این حق به متهم) به ترتیب موجب مجازات
انتظامی درجه هشت و سه است.

تبصره ۲- در جرائمی که مجازات آن (- سلب حیات
- یا حبس ابد) است، چنانچه
متهم اقدام به معرفی وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی ننماید،
بازپرس برای وی وکیل تسخیری انتخاب می کند.
تبصره ۳- در مورد این ماده و نیز چنانچه اتهام مطرح مربوط به
منافی عفت باشد، مفاد ماده (۱۹۱) جاری است.

▣ ماده ۲۳۶- در صورتی که متهم پس از صدور دستور دادستان

مبنی بر (- اخذ وجه التزام
- یا وجه الكفاله
- و یا ضبط وثیقه
- و پیش از اتمام عملیات اجرایی،)
در مرجع قضایی حاضر

شود یا کفیل یا وثیقه گذار او را حاضر کند، دادستان با رفع اثر از
دستور صادره، دستور اخذ یا ضبط حداکثر تا یک چهارم از وجه

قرار را صادر می کند. (- در این صورت، اعتبار قرار تأمین
هرگاه صادره به قوت خود باقی است.)

متهم خود ایداع وثیقه کرده باشد، مکلف است، نسبت به تکمیل

وجه قرار اقدام کند و چنانچه شخص ثالث از متهم کفالت نموده و یا ایداع وثیقه کرده باشد و رفع مسئولیت خود را درخواست نکند، مکلف است نسبت به تکمیل وجه قرار اقدام کند. در صورتی که شخص ثالث، **رفع مسئولیت خود** را درخواست کند، متهم حسب مورد، نسبت به معرفی کفیل یا وثیقه گذار جدید اقدام می کند.

تبصره ۱- هرگاه متهم یا وثیقه گذار یا کفیل، **ظرف ده روز** از تاریخ ابلاغ دستور ضبط بخشی از وجه قرار، معادل وجه مقرر را به صندوق دولت واریز کند، [- ضبط انجام نمی شود و اعتبار قرار تأمین صادره به صورت کامل به قوت خود باقی است.

تبصره ۲- در صورت تحت تعقیب قرار گرفتن اتباع بیگانه و تقاضای آنان بازپرس مکلف است مشخصات و نوع اتهام آنها را بلافاصله جهت اقدام لازم به دادستانی کل کشور اعلام نماید، تا از آن طریق وفق مقررات به مراجع ذی ربط اعلام شود. چنانچه تعقیب این افراد منجر به محکومیت قطعی شود، قاضی اجرای احکام خلاصه‌ای از دادنامه را جهت اجرای این تبصره به دادستانی کل اعلام می کند. در صورت تقاضای ملاقات از سوی کنسولگری مربوط، مراتب به دادستانی کل اعلام می شود تا بر اساس تصمیم آن مرجع، مطابق مقررات اقدام شود. **ماده ۲۳۷-** صدور قرار بازداشت موقت جایز نیست، مگر در مورد جرائم زیر، که دلایل، قرائن و امارت کافی بر توجه اتهام به متهم دلالت کند:

الف- جرائمی که مجازات قانونی آنها سلب حیات، حبس ابد یا قطع عضو و جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی که میزان دیه آنها ثلث دیه کامل یا بیش از آن است.

ب- جرائم تعزیری که درجه چهار و بالاتر است.

پ- جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور که مجازات قانونی آنها درجه پنج و بالاتر است.

ت- ایجاد مزاحمت و آزار و اذیت بانوان و اطفال و تظاهر، قدرت نمایی و ایجاد مزاحمت برای اشخاص که به وسیله چاقو یا هر نوع اسلحه انجام شود.

ث- سرقت، کلاهبرداری، ارتشاء، اختلاس، خیانت در امانت، جعل یا استفاده از سند مجعول در صورتی که مشمول بند (ب) این ماده نباشد و متهم دارای یک فقره سابقه محکومیت قطعی به علت ارتکاب هر یک از جرایم مذکور باشد.

تبصره- $\left. \begin{array}{l} \text{- موارد بازداشت موقت الزامی، موضوع قوانین خاص،} \\ \text{- به جز قوانین ناظر بر جرائم نیروهای مسلح} \end{array} \right\}$ از

تاریخ لازم الاجرا شدن این قانون، **ملغی است.**

ماده ۲۸۶- علاوه بر موارد مذکور در ماده ۲۰۳ این قانون،

$\left. \begin{array}{l} \text{- در جرائم تعزیری درجه پنج و شش نیز،} \\ \text{- تشکیل پرونده شخصیت در مورد اطفال و نوجوانان} \\ \text{- توسط دادسرا یا دادگاه اطفال و نوجوانان} \end{array} \right\}$ الزامی است.

▣ ماده ۲۹۳ - هرگاه در موارد

- حقوق عامه و دعاوی راجع به دولت،
- امور خیریه و اوقاف عامه و
- امور محجورین و غایب مفقود الاثر بی سرپرست

حکم قطعی صادر شود و دادستان کل کشور حکم مذکور را خلاف شرع بین و یا قانون تشخیص دهد به طور مستدل مراتب را جهت اعمال ماده (۴۷۷) به رئیس قوه قضائیه اعلام می کند.

▣ ماده ۲۹۶ - دادگاه کیفری یک دارای

- رئیس
- و دو مستشار

است که

با حضور دو عضو نیز رسمیت می یابد. در صورت عدم حضور رئیس، ریاست دادگاه به عهده عضو مستشاری است که سابقه قضائی بیشتری دارد.

تبصره ۱ - دادگاه کیفری یک در مرکز استان و به تشخیص رئیس قوه قضائیه در حوزه ی قضایی شهرستانها تشکیل می شود. در حوزه های که این دادگاه تشکیل نشده است، به جرایم موضوع صلاحیت آن

- در نزدیکترین دادگاه کیفری یک
 - در حوزه ی قضایی آن استان
- رسیدگی می شود.

تبصره ۲ - دادرس علیالبدل حسب مورد می تواند به جای

- رئیس یا
- مستشار

انجام وظیفه کند. همچنین با انتخاب رئیس کل دادگستری استان،

عضویت مستشاران دادگاه‌های تجدیدنظر در

- دادگاه کیفری یک
 - و دادگاه انقلاب

در مواردی که با **تعدد قاضی** رسیدگی می‌کند **بلامانع** است.

تبصره ۳- دادگاه‌های کیفری استان و عمومی جزایی موجود به ترتیب به دادگاه‌های کیفری یک و دو تبدیل می‌شوند. جرایمی که تا تاریخ لازم الاجرا شدن این قانون در دادگاه ثبت شده است، از نظر صلاحیت رسیدگی تابع مقررات **زمان ثبت است** و سایر مقررات رسیدگی طبق این قانون در همان شعب مرتبط انجام می‌شود. این تبصره در مورد

- دادگاه انقلاب
 - و دادگاه‌های نظامی

نیز جاری است.

ماده ۲۹۷- دادگاه انقلاب در مرکز هر استان و به تشخیص رئیس قوه قضائیه در حوزه قضائی شهرستان‌ها تشکیل می‌شود. این دادگاه برای رسیدگی به جرایم موجب مجازات مندرج در بندهای «الف»، «ب»، «پ» و «ت» ماده (۳۰۲) این قانون دارای رئیس و دو مستشار است که با دو عضو نیز رسمیت دارد. **دادگاه برای رسیدگی به سایر**

موضوعات با حضور

- رئیس یا
 - دادرس علی‌البدل تشکیل می‌شود.
 - یا مستشار

تبصره- مقررات دادرسی **دادگاه کیفری یک** به شرح مندرج در این قانون در **دادگاه انقلاب**، در مواردی که با **تعدد قاضی** رسیدگی

می‌کند جاری است.

▣▣ ماده ۲۹۸- دادگاه اطفال و نوجوانان
- با حضور یک قاضی
- و یک مشاور

تشکیل می‌شود. نظر مشاور، مشورتی است.

تبصره- در هر حوزه قضایی شهرستان یک یا چند شعبه دادگاه اطفال و نوجوانان بر حسب نیاز تشکیل می‌شود. تا زمانی که دادگاه اطفال و نوجوانان در محلی تشکیل نشده است، به کلیه جرائم اطفال و نوجوانان به جز جرائم مشمول ماده (۳۱۵) این قانون،

- در شعبه دادگاه کیفری دو
- یا دادگاهی که وظایف آن را انجام می‌دهد،
رسیدگی می‌شود.

▣▣▣ ماده ۳۰۲- به جرایم زیر در دادگاه کیفری یک رسیدگی

الف- جرائم موجب مجازات سلب حیات
ب- جرائم موجب حبس ابد
پ- جرائم موجب مجازات قطع عضو یا جنایات عمدی علیه
تمامیت جسمانی با میزان نصف دیه کامل یا بیش از آن
ت- جرائم موجب مجازات تعزیری درجه سه و بالاتر
ث- جرائم سیاسی و مطبوعاتی
می‌شود:

▣▣▣▣ ماده ۳۰۶- به جرائم منافی عفت به‌طور مستقیم، در دادگاه صالح

رسیدگی می‌شود.

تبصره ۵- منظور از جرائم منافی عفت در این قانون، جرائم جنسی حدی، همچنین جرائم رابطه نامشروع تعزیری مانند تقبیل و مضاجعه است.

▣ ماده ۳۰۷-

- رؤسای قوای سه گانه و معاونان و مشاوران آنان،
- رئیس و اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام،
- اعضای شورای نگهبان،
- نمایندگان مجلس شورای اسلامی و خبرگان رهبری،
- وزیران و معاونان وزیران،
- دارندگان پایه قضایی،
- رئیس و دادستان دیوان محاسبات،
- سفیران، استانداران، فرمانداران مراکز استان
- و جرایم عمومی افسران نظامی و انتظامی از درجه
- سرتیپ و بالاتر
- و یا دارای درجه سرتیپ دومی شاغل در محل‌های
- سرلشگری
- و یافرماندهی تیپ مستقل، مدیران کل اطلاعات استانه‌ها

حسب مورد، در صلاحیت دادگاه‌های کیفری تهران است، مگر آن که رسیدگی به این جرائم به موجب قوانین خاص در صلاحیت مراجع دیگری باشد.

تبصره ۱- شمول این ماده بر دارندگان پایه قضایی و افسران نظامی و انتظامی در صورتی است که حسب مورد، در قوه قضائیه یا نیروهای

مسلح انجام وظیفه کنند.

تبصره ۲- رسیدگی به اتهامات

که در صلاحیت	}	- افسران نظامی
		- و انتظامی
		- موضوع این ماده

سازمان قضایی نیروهای مسلح می‌باشد، حسب مورد در صلاحیت دادگاه نظامی یک یا دو تهران است.

▣ ماده ۳۱۵- جرائم مشمول صلاحیت دادگاه کیفری یک و همچنین انقلاب در مواردی که با تعدد قاضی رسیدگی می‌شود اگر توسط افراد بالغ زیر هجده سال تمام شمسی ارتکاب یابد در دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرائم نوجوانان رسیدگی و متهم از کلیه امتیازاتی که در دادگاه اطفال و نوجوانان اعمال می‌شود، بهره‌مند می‌گردد.

تبصره ۱- در هر شهرستان به تعداد مورد نیاز، شعبه یا شعبی از «دادگاه کیفری یک به عنوان «دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرایم نوجوانان» برای رسیدگی به جرائم موضوع این ماده اختصاص می‌یابد. تخصصی بودن این شعب، مانع از ارجاع سایر پرونده‌ها به آنها نیست.

تبصره ۲- حضور مشاوران با رعایت شرایط مقرر در این قانون، برای رسیدگی به جرایم نوجوانان در دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرایم آنان الزامی است.

▣ ماده ۳۴۲- در غیر موارد مذکور در مواد (۳۴۰) و (۳۴۱) این قانون، دادگاه با تعیین وقت رسیدگی و ابلاغ آن به شاکی یا مدعی

خصوصی، متهم، وکیل یا وکلای آنان، دادستان و سایر اشخاصی که باید در دادگاه حاضر شوند، آنان را برای شرکت در جلسه رسیدگی احضار می‌کند. تصویر کیفرخواست برای متهم فرستاده می‌شود.

تبصره- در دعاوی مربوط به مطالبه خسارت موضوع ماده (۲۶۰) این قانون و ماده (۳۰) قانون نظارت بر رفتار قضات مصوب ۱۳۹۰/۷/۱۷ و مواردی که دیه از بیت‌المال مطالبه می‌شود، دادگاه موظف است از دستگاه پرداخت‌کننده دیه یا خسارت به منظور دفاع از حقوق بیت‌المال برای جلسه رسیدگی دعوت نماید. دستگاه مذکور حق تجدیدنظرخواهی از رأی را دارد.

ماده ۴۰۴- اعضای دادگاه پس از اعلام ختم رسیدگی با استعانت از خداوند متعال، تکیه بر شرف و وجدان و با توجه به محتویات پرونده، مشاوره می‌نمایند و در همان جلسه و در صورت عدم امکان، در اولین فرصت و حداکثر ظرف مدت یک هفته مبادرت به صدور رأی می‌کنند. در صورتی که بین اعضای دادگاه اتفاق نظر حاصل نشود رأی اکثریت معتبر است. انشای رأی به‌عهده رئیس دادگاه است، مگر آنکه وی جزء اکثریت نباشد که در این صورت، عضوی که جزء اکثریت است و سابقه قضائی بیشتر دارد، رأی را انشاء می‌کند. در صورت صدور رأی در همان جلسه، بلافاصله جلسه علنی دادگاه با حضور متهم یا وکیل او و دادستان یا نماینده او و شاکی تشکیل و رأی توسط منشی دادگاه با صدای رسا قرائت و مفاد آن توسط رئیس دادگاه به متهم تفهیم می‌شود.

هرگاه رأی بر $\left(\begin{array}{l} - \text{برائت یا} \\ - \text{تعلیق اجرای مجازات} \end{array} \right)$ باشد، متهم به دستور دادگاه فوری آزاد می‌شود.

تبصره- پس از ختم رسیدگی، چنانچه نظر به صدور رأی در همان جلسه باشد، اعضای دادگاه تا صدور رأی و اعلام آن در جلسه علنی نباید متفرق شوند. این حکم در مورد اعضای هیأت منصفه نیز جاری است.

▣ ماده ۴۲۵- در مواردی که دادگاه با تعدد قاضی تشکیل می‌شود، هرگاه نسبت به یکی از اعضاء ایراد رد شود و آن عضو از

$\left(\begin{array}{l} - \text{دادگاه با حضور عضو دیگر تکمیل می شود} \\ - \text{و مبادرت به رسیدگی می کند.} \end{array} \right)$

چنانچه ایراد رد مورد پذیرش قرار نگیرد،

$\left(\begin{array}{l} - \text{همان دادگاه بدون حضور عضو مورد ایراد} \\ - \text{در وقت اداری به اعتراض رسیدگی} \\ - \text{و قرار رد یا قبول ایراد را صادر می کند.} \end{array} \right)$ هرگاه تعداد باقیمانده

اعضای شعبه در اکثریت نباشند و امکان انتخاب اعضای علی‌البدل نیز برای رسیدگی به ایراد وجود نداشته باشد، رسیدگی به ایراد در شعبه دیوان عالی کشور به عمل می‌آید. هرگاه شعبه دیوان درخواست رد را وارد بدانند، پرونده جهت رسیدگی به دادگاه هم‌عرض ارجاع می‌شود.

□ ماده ۴۲۶- دادگاه تجدید نظر استان مرجع صالح برای رسیدگی به درخواست تجدید نظر از کلیه آرای غیر قطعی کیفری است، جز در مواردی که در صلاحیت دیوان عالی کشور باشد. دادگاه تجدید نظر استان در مرکز هر استان تشکیل می‌شود. این دادگاه دارای رئیس و دو مستشار است، دادگاه تجدیدنظر و شعب دیوان عالی کشور با دو عضو نیز رسمیت دارند.

▣▣▣ ماده ۴۲۸- آراء صادره درباره جرایمی که مجازات قانونی آنها

- سلب حیات،
- قطع عضو،
- حبس ابد و یا
- تعزیر درجه سه و بالاتر است
- و جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی که میزان دیه آنها نصف دیه کامل یا بیش از آن است
- و آرای صادره درباره جرایم سیاسی و مطبوعاتی،

قابل فرجام خواهی در دیوان عالی کشور است.

تبصره- اجرای این ماده مانع از انجام سایر وظایف نظارتی دیوان عالی کشور به شرح مقرر در اصل یکصد و شصت و یکم (۱۶۱) قانون اساسی نمی‌باشد.

▣▣▣ ماده ۴۵۰- رئیس شعبه، پرونده‌های ارجاعی را

(- بررسی و گزارش جامع آن را تهیه می کند.
- و یا به نوبت به یکی از اعضاء دادگاه تجدیدنظر استان ارجاع می دهد.)

این عضو، گزارش پرونده را که متضمن جریان آن و بررسی کامل در

خصوص (- تجدیدنظر خواهی
- و جهات قانونی آن است،) تهیه و در جلسه دادگاه قرائت

می کند. خلاصه این گزارش در پرونده درج می شود و سپس دادگاه
به شرح زیر اتخاذ تصمیم می نماید:

الف- در صورتی که تحقیقات ناقص باشد، قرار رفع نقص صادر می‌کند و پرونده را نزد دادسرای صادر کننده کیفرخواست یا دادگاه صادر کننده رأی می‌فرستد تا پس از انجام دستور دادگاه تجدیدنظر استان، آن را بدون اظهار نظر اعاده کند و یا دادگاه تجدیدنظر می‌تواند خود مبادرت به انجام تحقیقات نماید.

ب- هرگاه رأی صادره از نوع قرار باشد و تحقیقات یا اقدامات دیگر ضروری نباشد و قرار مطابق مقررات صادر شده باشد، آن را تأیید و پرونده به دادگاه صادر کننده قرار اعاده می‌شود و چنانچه به هر علت دادگاه تجدیدنظر عقیده به نقض داشته باشد، پرونده برای رسیدگی به دادگاه صادر کننده قرار اعاده می‌شود و آن دادگاه مکلف است خارج از نوبت رسیدگی کند.

پ- هرگاه رأی توسط دادگاهی که صلاحیت ذاتی یا محلی ندارد صادر شود، دادگاه تجدیدنظر استان، رأی را نقض و پرونده را به مرجع صالح ارسال و مراتب را به دادگاه صادر کننده رأی اعلام می‌کند.

ت- اگر عملی که محکوم علیه به اتهام ارتکاب آن محکوم شده به فرض ثبوت، جرم نبوده یا به لحاظ شمول عفو عمومی و یا سایر جهات قانونی، متهم قابل تعقیب نباشد، رأی مقتضی صادر می‌کند.

ث- در غیر از موارد مذکور در بندهای فوق، هرگاه جرم از جرائم مستوجب مجازات‌های حدود، قصاص و جرائم غیر عمدی مستوجب بیش از نصف دیه و یا جرائم تعزیری درجه چهار و پنج باشد به‌طور مطلق و در جرائم

تعلزیری درجه شش و هفت در صورت محکومیت به حبس و در سایر جرائم در صورت اقتضاء، دادگاه تجدیدنظر با صدور دستور تعیین وقت رسیدگی، طرفین و اشخاصی را که حضورشان ضروری است احضار می‌کند. طرفین می‌توانند شخصاً حاضر شوند یا وکیل معرفی کنند. در هر حال عدم حضور یا عدم معرفی وکیل مانع از رسیدگی نیست.

ماده ۴۶۳- دیوان عالی کشور به تعداد لازم، عضو معاون دارد که می‌توانند وظایف مستشار یا رئیس را برعهده گیرند.

ماده ۴۷۰ - مرجع رسیدگی پس از نقض رأی در دیوان عالی کشور به شرح زیر اقدام می‌کند:

الف- در صورت نقض رأی به علت ناقص بودن تحقیقات، باید تحقیقات مورد نظر دیوان عالی کشور را انجام دهد و سپس مبادرت به صدور رأی کند.

ب- در صورت نقض قرار و ضرورت رسیدگی ماهوی، باید از نظر دیوان عالی کشور متابعت نماید و در ماهیت، رسیدگی و انشاء حکم کند، مگر آن که پس از نقض، جهت تازه ای برای صدور قرار حادث شود.

پ- در صورت نقض حکم در غیر موارد مذکور، دادگاه می تواند بر مفاد رأی دادگاه قبلی اصرار کند. چنانچه این حکم مورد فرجام خواهی واقع شود و شعبه دیوان عالی کشور پس از بررسی، استدلال دادگاه را بپذیرد، حکم را ابرام می کند و در غیر این صورت، پرونده در هیأت عمومی شعب کیفری مطرح می شود. هرگاه نظر دادگاه صادر کننده رأی مورد تأیید قرار گیرد، رأی ابرام می شود و در صورتی که نظر شعبه دیوان عالی کشور را تأیید کند، حکم صادره نقض و پرونده به شعبه دیگر دادگاه ارجاع می شود. دادگاه مزبور بر اساس استدلال هیأت عمومی دیوان عالی کشور، حکم صادر می کند. این حکم قطعی و غیر قابل فرجام است.

«در صورتی که هیأت عمومی پرونده را به علت نقض تحقیقات قابل رسیدگی نداند با ذکر موارد نقض، پرونده را به شعبه دیوان عالی کشور اعاده می نماید. شعبه دیوان مطابق قسمت (۲) بند (ب) ماده (۴۶۹) اقدام می کند.»

ماده ۴۷۸- هرگاه رأی دیوان عالی کشور مبنی بر تجویز اعاده دادرسی باشد یا طبق ماده (۴۷۷) اعاده دادرسی پذیرفته شده باشد، اجرای حکم تا صدور حکم مجدد به تعویق می افتد و چنانچه

از متهم

-	یا تأمین منتفی شده باشد	دادگاهی که پس از تجویز اعاده

دادرسی به موضوع رسیدگی می کند، تأمین لازم را اخذ می نماید. تبصره- در صورتی که مجازات مندرج در حکم، از نوع

- مجازات سالب حیات
- یا سایر مجازات های بدنی یا قلع و قمع بنا باشد،

شعبه دیوان عالی

کشور با وصول تقاضای اعاده دادرسی، قبل از اتخاذ تصمیم درباره تقاضا، دستور توقف اجرای حکم را می دهد.

ماده ۴۸۴- اجرای احکام کیفری برعهده دادستان است و «معاونت اجرای احکام کیفری» تحت ریاست و نظارت وی در مناطقی که رئیس قوه قضائیه تشخیص می دهد، در دادرسی عهده دار این وظیفه است.

تبصره ۱- معاونت اجرای احکام کیفری، می تواند در صورت ضرورت دارای واحد یا واحدهای تخصصی برای اجرای احکام باشد.

تبصره ۲- معاونت اجرای احکام کیفری یا واحدی از آن می تواند با تصویب رئیس قوه قضائیه در زندان ها و یا مؤسسات کیفری مستقر شود. شیوه استقرار و اجرای وظایف آن ها به موجب آیین نامه ای است که ظرف شش ماه از تاریخ لازم الاجراء شدن این قانون توسط وزیر دادگستری با همکاری رئیس سازمان زندان ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور تهیه می شود و به تصویب رئیس قوه قضائیه می رسد.

تبصره ۳- در حوزه قضایی بخش، اجرای احکام کیفری به عهده رئیس دادگاه و در غیاب وی با دادرس علی البدل است.

□ **ماده ۵۵۲-** هرگاه محکوم علیه پس از سپری شدن **حداقل شش**

ماه از مدت تعلیق اجرای مجازات

- به طور مستمر حسن اخلاق
- و رفتار نشان دهد،

قاضی اجرای احکام کیفری، مراتب را با

- پیشنهاد کاهش مدت تعلیق
- یا لغو تمام یا برخی از دستورهای تعیین شده

به دادگاه صادر کننده

حکم اعلام می کند. دادگاه در **وقت فوق العاده** در مورد پیشنهاد قاضی اجرای احکام کیفری تصمیم می گیرد.

تبصره- در صورت عدم پذیرش پیشنهاد از سوی دادگاه، قاضی اجرای احکام کیفری می تواند هر دو ماه یک بار تعلیق اجرای مجازات را به دادگاه پیشنهاد نماید.

□ ماده ۵۵۹- شاکی باید هزینه شکایت کیفری را برابر قانون در هنگام طرح شکایت تأدیه کند. مدعی خصوصی هم که به تبع امر کیفری مطالبه ضرر و زیان می کند، باید هزینه دادرسی را مطابق مقررات مربوط به امور مدنی بپردازد. چنانچه شاکی توانایی پرداخت هزینه شکایت را نداشته باشد،

— به تشخیص دادستان
— یا دادگاهی که به موضوع رسیدگی می کند

از پرداخت هزینه

شکایت معاف می شود و هر گاه مدعی خصوصی توانایی پرداخت هزینه دادرسی را نداشته باشد، دادگاه می تواند او را از پرداخت هزینه دادرسی برای همان موضوعی که مورد ادعا است، به طور موقت معاف نماید. رسیدگی به امر کیفری را نمی توان به علت عدم تأدیه هزینه دادرسی از سوی مدعی خصوصی به تأخیر انداخت.

تبصره- پس از صدور حکم و هنگام اجرای آن، قاضی اجرای احکام کیفری مکلف است هزینه دادرسی را از محل محکوم به استیفاء کند. مگر آنکه محکوم به از مستثنیات دین بوده و یا به میزانی نباشد که موجب خروج محکوم به از اعسار گردد.

آخرین ماده اصلاحی قانون آیین دادرسی کیفری:

ماده ۳۸- این قانون از تاریخ ۱۳۹۴/۴/۱ لازم‌الاجراء است. قانون فوق مشتمل بر سی و هشت ماده در جلسه مورخ ۱۳۹۴/۳/۲۴ کمیسیون قضائی و حقوقی مجلس شورای اسلامی طبق اصل هشتاد و پنجم (۸۵) قانون اساسی تصویب گردید و در تاریخ ۱۳۹۴/۳/۲۷ به تأیید شورای نگهبان رسید. یادآوری می‌گردد مدت اجرای آزمایشی این قانون به موجب تبصره (۳) ماده (۱۶۷) آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی تابع مدت اجرای آزمایشی قانون آیین‌دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ کمیسیون قضائی و حقوقی مجلس شورای اسلامی است.

رئیس مجلس شورای اسلامی - علی لاریجانی